

تاب‌آوری ایرانی

بررسی واکنش ایرانیان به هجوم بیگانگان در دوره‌های مختلف

بر اساس رویکرد تحلیلی انیاگرام و کتاب نه‌گانه ایرانی

روان‌شناسی



مهدید رضوی روانشناس

واکنش ایرانیان در طول دوره‌های مختلف تاریخی نسبت به هجوم و تجاوز بیگانگان در ایستادگی و حفظ تمامیت ارضی کشور خود، بسیار تأمل‌برانگیز بوده و هست؛ و شاید بخش قابل توجهی از درک عمیق آن را باید در کارکرد و نقش زبان فارسی دانست. موقعیت ایران امروز به گونه‌ای است که فارغ از هرگونه نگاه سیاسی و سوگیرانه، همچون ققنوسی از آتش و خاکستر سر برمی‌آورد.

مفهوم «تاب‌آوری»، همان Resilience، در لغت به معنای کشسانی، بازگشت‌پذیری و ارتجاعی آمده و مترادف با تحمل کردن و طاقوت آوردن است؛ یک فرایند توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز، به‌رغم شرایط تهدیدکننده در مقابله با تندیگی‌ها و تهدیدهای زندگی و آثار نامطلوب آنها. «تاب‌آوری» سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار است و نقش مهمی در بازگشت به تعادل اولیه یا رسیدن به تعادل سطح بالاتر دارد. این مفهوم گستره‌ای وسیع از حوزه‌ها را دربرمی‌گیرد؛ از کولوزی و روان‌شناسی فردی گرفته تا بحران‌های اجتماعی

چون جنگ، «تاب‌آوری» مفهومی است که اغلب با مفاهیم دیگری همچون صبر، توکل، ایمان و... همراه می‌شود. مفهوم «تاب‌آوری» در مطالعات انسان‌شناسی و مردم‌شناسی، در طول تاریخ و از آغاز آن؛ از عصر باستان با اعتقادات اساطوره‌آلود و میدانی وسطی و ظهور امپراطوری‌های بزرگی چون امپراطوری ایران و اقلول غرب در دوران تاریک‌اندیشی، شکوفایی اسلام در خاورمیانه و در عصر حاضر که مطالعات علمی بر توصیف «شخصیت ملی» یا «شخصیت‌پایه» تعریف شده، همواره مورد مذاقه بوده است. در رویکرد انسان‌شناسی فرهنگ-شخصیت، فرهنگ به مجموعه‌ای از رفتار اطلاق می‌شود که در یک جامعه مفروض میان اعضای آن جامعه مشترک است؛ به‌طوری‌که وقتی می‌گوییم آلمانی یا انگلیسی یا ایرانی، به‌سرعت برخی ویژگی‌های رفتاری از آنان در ذهن ما نقش می‌بندد. این فرهنگ برای یک مفهوم انتزاعی یا مادی، در قالب مفهوم «شخصیت انسان مورد نظر است. انسان‌ها حاصلان اصلی فرهنگ هستند و همه امور فرهنگی مانند «تاب‌آوری» باید از رسانه‌ای بنام انسان بگذرد. با این‌نگاه مفهوم شخصیت، فراتر از مفهوم «فرد» در آن و رشد و تبلور فرهنگ مطلق به‌حضور تک تک افراد جامعه است. گسترش مکتب فرهنگ، شخصیت یا اندیشه‌ها یک اندیشمندان و متفکرانی چون فرانس بواس، روث بندیکت، مارگارت مید تا آبرام کاردینر، ادوارد سایپر و دیگران شکل گرفت. این دانشمندان با وجود بیان‌های متنوع، همگی معتقد بودند همان‌گونه‌که فرهنگ‌ها مانند هر زبانی بی‌همتا هستند، انسان‌ها نیز مسیری را پیش می‌گیرند که در فرهنگ‌شان حضور دارد و به شخصیت‌هایی تبدیل می‌شوند که از پیش آماده و برآن اساس تعریف شده است. آبرام کاردینر این مفروض را با مفهوم «شخصیت‌پایه» مفروض می‌دارد. «شخصیت‌پایه» نوعی مخرج مشترک از جامعه است که خود در یک شخصیت میانگین جامعه منعکس می‌شود و حاصل مناظره دیالکتیک فرد یا نهادهاست.

در کنار مفهوم «شخصیت‌پایه» سایر پژوهشگران از مفاهیم دیگری چون «شخصیت اجتماعی»، «شخصیت ملی» و «منش ملی» استفاده کرده‌اند که همگی انعکاس‌دهنده روح یا روحیات ملی و خلقیات ملی جامعه است. اغلب تحقیقات و مطالعات، مردم ایران را برخوردار از روحیه زیباشناسی و آشنوس به هنر می‌شناسند. در همین راستا آثار برجسته‌ای از هنر معماری پیش از هخامنشیان تا شکوفایی امپراطوری و پس از آن، همراه با ورود غنای معنوی به روح معماری اسلامی، تا هنرهای دستی مختلف، ادبیات، شعر و روحیه شاعرانگی، همگی بیانگر نوعی بازنمایی و شناسایی ویژه از ایرانیان است. تصویری از خودنگاره ایرانی (تصویر یا برداشت ما از ایرانی بودن خودمان) از دیرباز از ادب حماسی و دینی کهن ما نشأت می‌گیرد و در ادبیات عرفانی حکما و عرفای ما جایگاه ارزشمندی می‌یابد. به‌طوری‌که داریوش شایگان این‌شناخت را در کتاب «پنج اقلیم حضور» با اشاره به پنج شاعر معروف ایرانی؛ (فردوسی، خیام، حافظ، مولوی و سعدی) بازتاب می‌دهد؛ تصویری از ایرانی‌با روحی معناگرا و اصالت-گرا و تشنه حکمت در مسیر درک حقیقت انسان. در این پژوهش‌ها از سایر ویژگی‌های ایرانیان همچون نبوغ در بازرگانی، مهمان‌نوازی، نوع-دوستی و مردم‌دوستی و تعامل با ملل دیگر نیز یاد می‌شود. در کنار این صفات، از برخی ویژگی‌هایی که در این پژوهش‌ها ذکر شده است می‌توان

• نگاه معناگرا و اصالت‌گرای ایرانی بر مبنای چنین دیدگاهی از فرهنگ ما مترادف شخصیت و شخصیت فراتر از فرد و منعکس‌کننده منش ملی است، در شرایط و موقعیت کنونی جامعه ایران، مسأله و پرسش بنیادین این است که چه احتمالی از تاب‌آوری ایرانی در منسح ملی ایرانیان در برابر جنگ متجاوزانه آمریکایی-صهیونیستی



برگی از شاهنامه نسخه شاه طهماسبی که در آن به‌با خاستن فریدون در برابر ضحاک و عبور او از دجله مصور شده است

علیه ایران انتظار می‌رود؟ همواره سوززه ایرانی و ایرانیان موضوع مطالعات پژوهشگران داخلی و خارجی بوده است. در طول سال‌های اخیر پژوهشگران و اساتید برجسته‌ای در ایران پژوهش‌های متنوع و قابل توجهی به‌صورت تحلیلی و میدانی انجام داده و تألیفاتی متعدد داشته‌اند؛ پژوهشگران و اساتید برجسته‌ای همچون تقی آزادارمکی، مقصود فراستخواه، محمد فاضلی، ناصر فکوهی، داریوش شایگان، جبار رحمانی، زاگرس زند، حسین میرزایی و دیگران. محور موضوعات مطالعاتی این پژوهشگران معطوف به درک روشن، دقیق و باریک‌بینانه از رفتارهای فکری جامعه ایرانی، خلقیات، فرهنگ، هویت، منش، «ایران» برای ایرانی و همچنین نگاه مستشرقین را در بر گرفته است. برخی از آثار این اندیشمندان بارها تجدید چاپ شده که این خود نشانه‌ای مثبت از تحول در فهم ایرانی نسبت به «دیگری» است.

در این مجال، نگارنده در پیش‌فرض خود با نگاهی بسیار گذرا و به نقل از این پژوهشگران به معرفی برخی از ویژگی‌های خلقیات و منش ملی ایرانی-اعم از مثبت و منفی- پرداخته و در رویکرد تیپ‌های شخصیتی انیاگرام (نه آرکی‌تایپ) به تحلیل و جست‌وجو بر معادل‌های آن می‌پردازد. پس آزان نیز نظر به پیشینه این مدل کهن حکمی ایرانی با‌عنوان «نه‌گانه ایرانی» پاسخی احتمالی به سوآلی می‌دهد که پیشتر در این نوشتار مطرح شده است.

اغلب تحقیقات و مطالعات، مردم ایران را برخوردار از روحیه زیباشناسی و آشنوس به هنر می‌شناسند. در همین راستا آثار برجسته‌ای از هنر معماری پیش از هخامنشیان تا شکوفایی امپراطوری و پس از آن، همراه با ورود غنای معنوی به روح معماری اسلامی، تا هنرهای دستی مختلف، ادبیات، شعر و روحیه شاعرانگی، همگی بیانگر نوعی بازنمایی و شناسایی ویژه از ایرانیان است. تصویری از خودنگاره ایرانی (تصویر یا برداشت ما از ایرانی بودن خودمان) از دیرباز از ادب حماسی و دینی کهن ما نشأت می‌گیرد و در ادبیات عرفانی حکما و عرفای ما جایگاه ارزشمندی می‌یابد. به‌طوری‌که داریوش شایگان این‌شناخت را در کتاب «پنج اقلیم حضور» با اشاره به پنج شاعر معروف ایرانی؛ (فردوسی، خیام، حافظ، مولوی و سعدی) بازتاب می‌دهد؛ تصویری از ایرانی‌با روحی معناگرا و اصالت-گرا و تشنه حکمت در مسیر درک حقیقت انسان. در این پژوهش‌ها از سایر ویژگی‌های ایرانیان همچون نبوغ در بازرگانی، مهمان‌نوازی، نوع-دوستی و مردم‌دوستی و تعامل با ملل دیگر نیز یاد می‌شود. در کنار این صفات، از برخی ویژگی‌هایی که در این پژوهش‌ها ذکر شده است می‌توان



منش ایرانیان

در جامعه

مقابله با جنگ

آمریکا-صهیونی

علیه ایران،

با بردباری و

حلم و توکل در

کنار تاب‌آوری

موجود در

منش ایرانیان

به عنوان

بخشی از این

سنت روانی

و اخلاقی

امکان‌پذیر

است

کامل‌تری در سطح کشور و در دوره‌های مختلف لازم است تا بتواند سبک شخصیتی ایرانیان را در تعیین منش ملی آنها مشخص کند تا بازتاب ویژگی‌های رایج در ایرانیان باشد. مشاهدات نگارنده (مهشید رضوی رضوانی) بر اساس تجربه زیسته و نظر به مشاوره‌هایی در رویکرد تحلیلی انیاگرام نشان می‌دهد برخی دیگر از ویژگی‌های ایرانیان، چون داشتن نگاه نوستالژیک، روحیه زیباشناسی، شاعرانگی، احساساتی بودن، فردگرایی و معناگرایی در تیپ یا سبک شخصیتی رمانتیک یا فردگرا قابل مشاهده است. انسان ایرانی به دلیل همین ساختار روحی، با نگاهی معناگرا و اصالت‌گرا گویی آموخته از زنج‌ها معنا بیافریند و آن را همواره با نوعی حکمت درک کند. این نگاه بر این باور است که در پس هر امری، خیری نهفته است.

برای شناخت منش، شخصیت اجتماعی یا سبک شخصیتی ایرانیان، انجام پژوهش و تحقیقات جامع در دوره‌های زمانی مختلف لازم است تا این نکته روشن شود که ایرانی چگونه نظریه‌درکی که از هویت خود و استنباط خود دارد و با زبان شعر، ادبیات و عرفان از همه فرازنشیب‌های تاریخی یا سربلندی عبور کرده است.

مطالعات نشان می‌دهد شخصیت اجتماعی یا سبک شخصیتی جوامع در شرایط بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی تغییر می‌کند، ولی تأثیر تغییرات معمولاً به‌گونه‌ای است که رفتارهای عمومی جامعه همچنان در چهار چوب همان الگوهای عادی رایج، قابل تبیین و پیش‌بینی پذیر می‌ماند و این پیش‌بینی‌پذیری را می‌توان با نماد و کهن‌الگوی انیاگرام تحلیل کرد.

در نتیجه، این ویژگی‌ها در خلقیات و منش ایرانیان، باعث می‌شود شیوه اهل شایع‌پراکنی، حرص‌ورزی، دروغ، ریا و تقلب و راحت‌طلبی یا واگذار کردن امور به تقدیر-به‌جای تدبیر اشاره کرد. محققان این پژوهش‌ها بر این باورند که اگر در بیان ویژگی‌های منفی و مثبت گزاره‌گویی نشده باشد، اما بی‌تردید اغلب نشانی منفی در بروز برجسته‌ای همچون تقی آزادارمکی، مقصود فراستخواه، محمد فاضلی، ناصر فکوهی، داریوش شایگان، جبار رحمانی، زاگرس زند، حسین میرزایی و دیگران. محور موضوعات مطالعاتی این پژوهشگران معطوف به درک روشن، دقیق و باریک‌بینانه از رفتارهای فکری جامعه ایرانی، خلقیات، فرهنگ، هویت، منش، «ایران» برای ایرانی و همچنین نگاه مستشرقین را در بر گرفته است. برخی از آثار این اندیشمندان بارها تجدید چاپ شده که این خود نشانه‌ای مثبت از تحول در فهم ایرانی نسبت به «دیگری» است.

در این مجال، نگارنده در پیش‌فرض خود با نگاهی بسیار گذرا و به نقل از این پژوهشگران به معرفی برخی از ویژگی‌های خلقیات و منش ملی ایرانی-اعم از مثبت و منفی- پرداخته و در رویکرد تیپ‌های شخصیتی انیاگرام (نه آرکی‌تایپ) به تحلیل و جست‌وجو بر معادل‌های آن می‌پردازد. پس آزان نیز نظر به پیشینه این مدل کهن حکمی ایرانی با‌عنوان «نه‌گانه ایرانی» پاسخی احتمالی به سوآلی می‌دهد که پیشتر در این نوشتار مطرح شده است.

اغلب تحقیقات و مطالعات، مردم ایران را برخوردار از روحیه زیباشناسی و آشنوس به هنر می‌شناسند. در همین راستا آثار برجسته‌ای از هنر معماری پیش از هخامنشیان تا شکوفایی امپراطوری و پس از آن، همراه با ورود غنای معنوی به روح معماری اسلامی، تا هنرهای دستی مختلف، ادبیات، شعر و روحیه شاعرانگی، همگی بیانگر نوعی بازنمایی و شناسایی ویژه از ایرانیان است. تصویری از خودنگاره ایرانی (تصویر یا برداشت ما از ایرانی بودن خودمان) از دیرباز از ادب حماسی و دینی کهن ما نشأت می‌گیرد و در ادبیات عرفانی حکما و عرفای ما جایگاه ارزشمندی می‌یابد. به‌طوری‌که داریوش شایگان این‌شناخت را در کتاب «پنج اقلیم حضور» با اشاره به پنج شاعر معروف ایرانی؛ (فردوسی، خیام، حافظ، مولوی و سعدی) بازتاب می‌دهد؛ تصویری از ایرانی‌با روحی معناگرا و اصالت-گرا و تشنه حکمت در مسیر درک حقیقت انسان. در این پژوهش‌ها از سایر ویژگی‌های ایرانیان همچون نبوغ در بازرگانی، مهمان‌نوازی، نوع-دوستی و مردم‌دوستی و تعامل با ملل دیگر نیز یاد می‌شود. در کنار این صفات، از برخی ویژگی‌هایی که در این پژوهش‌ها ذکر شده است می‌توان

• نگاه معناگرا و اصالت‌گرای ایرانی بر مبنای چنین دیدگاهی از فرهنگ ما مترادف شخصیت و شخصیت فراتر از فرد و منعکس‌کننده منش ملی است، در شرایط و موقعیت کنونی جامعه ایران، مسأله و پرسش بنیادین این است که چه احتمالی از تاب‌آوری ایرانی در منسح ملی ایرانیان در برابر جنگ متجاوزانه آمریکایی-صهیونیستی

واکنش ایرانیان در طول دوره‌های مختلف تاریخی نسبت به هجوم و تجاوز بیگانگان در ایستادگی و حفظ تمامیت ارضی کشور خود، بسیار تأمل‌برانگیز بوده و هست؛ و شاید بخش قابل توجهی از درک عمیق آن را باید در کارکرد و نقش زبان فارسی دانست. موقعیت ایران امروز به گونه‌ای است که فارغ از هرگونه نگاه سیاسی و سوگیرانه، همچون ققنوسی از آتش و خاکستر سر برمی‌آورد. مفهوم «تاب‌آوری»، همان Resilience، در لغت به معنای کشسانی، بازگشت‌پذیری و ارتجاعی آمده و مترادف با تحمل کردن و طاقوت آوردن است؛ یک فرایند توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز، به‌رغم شرایط تهدیدکننده در مقابله با تندیگی‌ها و تهدیدهای زندگی و آثار نامطلوب آنها. «تاب‌آوری» سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار است و نقش مهمی در بازگشت به تعادل اولیه یا رسیدن به تعادل سطح بالاتر دارد. این مفهوم گستره‌ای وسیع از حوزه‌ها را دربرمی‌گیرد؛ از کولوزی و روان‌شناسی فردی گرفته تا بحران‌های اجتماعی



نه‌گانه ایرانی (دفتر نخست)

الگوی شخصیت‌در حکمت‌وست‌الهی

خواست‌خداوند‌تحقیق‌می‌یابد

• نویسنده: **لاله بختیار**

• مترجم: **بهنام رشیدی**

• انتشارات: **ماه خورشید خرد**

• تعداد صفحات: **۱۶۰ صفحه**

• قیمت: **۳۴۰۰۰۰ تومان**

زمین تنوع دارد. این دانش امروزه در حوزه‌های مختلف علوم انسانی؛ اعم از روانشناسی، مشاوره، حقوق، منابع انسانی، تجارت و بازرگانی، سیاست، هنر و حتی پزشکی کاربرد یافته است. دکتر لاله بختیار پژوهشگر ایرانی-آمریکایی، در حوزه میان‌رشته‌ای روانشناسی تربیتی، معارف اسلامی، عرفان و تصوف اسلامی با آگاهی از ریشه‌های این دانش در حکمت، اخلاق، عرفان و تصوف به ریشه-های کهن این دانش در نزد حکمای مسلمان دست یافت. پژوهش او در مجموعه‌ای سه جلدی با عنوان «God's Will Be Done» خواست خداوند تحقق می‌یابد، در سال ۱۹۹۴ میلادی توسط انتشارات قاضی در شیکاگو منتشر شد.

این مجموعه سه جلدی که جلد نخست آن بهره رسیده؛ با اهتمام و نظارت انتشارات ماه خورشید خرد در دست چاپ است. جلد دوم این مجموعه نیز در ۲۸۰ صفحه به‌زودی منتشر خواهد شد و در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

این مجموعه جلد دوم این کتاب با عنوان «نه‌گانه ایرانی: راهنمای شفاگرا-اخلاق؛ روانشناسی تحقوت و شفاگرا-اخلاق؛ خواست خداوند تحقوت می‌یابد» سید حسین نصر؛ پس از شرح مفصلی بر موقعیت جهان و مواجهه ادیان و سنت‌های باستانی دنیا برپا و در برخی موارد آگار سوء مناسکی که در جهان وجود دارد، به انیاگرام اشاره می‌کند و می‌گوید: «یکی از فنون، اندیشه و موضوعی است که به انیاگرام مربوط است-شود و در زمان حاضر به‌عنوان روشی درمانی در حوزه روان‌شناسی و حتی «پیشرفت و رفاهی معنوی» به کار می‌رود.

انیاگرام که در ریشه‌های شرقی خود با عنوان «نه‌گانه» توسط برخی مردمان خود گمارده و مریبان طی سال‌های اولیه این قرن محبوبیت یافت حتی بعضی از آنها هنوز هم فعال هستند، در میان جمعیت مسیحی به ویژه کاتولیک‌ها نیز رواج داشته است و میلیون‌ها نفر از این افراد به طور مرتب از آن بهره‌میرند؛ ولی شواهد اندکی از آنها به منشاسنتی این نماد (نه‌گانه) می‌پردازند و نقش کلیدی آن در جهان قدسی را مورد توجه قرار می‌دهند. ویژگی مثبت این کتاب این است که برای اولین بار به این موضوع می‌پردازد و منشاس انیاگرام (نه‌گانه) را که در شفاف‌ی اخلاق و تمرینات معنوی

نه‌گانه ایرانی چیست؟

«نه‌گانه ایرانی» که در جامعه انگلیسی زبان اولین بار با عنوان صوفی انیاگرام/ Sufi Enneagram توسط دکتر لاله بختیار معرفی شد؛ به معرفی نه‌گانه الگو در قوای نفس در انسان می‌پردازد. این نه‌گانه الگو به واقع بازتاب همان مفهوم «شاکله» در فرهنگ و معارف را دارد. «شاکله» که بسیاری از اشخاص اصلی که در مکتب روانشناسی سنتی شفاف‌ی اخلاق کار کرده‌اند، خود نیز ایرانی بوده‌اند. می‌توان نام چند نفر از آنها را به ترتیب تاریخی ذکر کرد: محمد ابن زکریای رازی، ابونصر فارابی، ابویعقوب ابن مسکویه، ابوالعی سینا، ابوریحان بیرونی، ابوحامد محمد غزالی، فخرالدین رازی، افضل‌الدین کاشانی، جلال‌الدین رومی، نصیرالدین طوسی، جلال‌الدین دوانی، ملاصدرا، محمد مهدی نراقی و حاج ملا هادی سبزواری. اما شاید بتوان گفت که مهم‌ترین و تأثیرگذارترین افراد بر الگوی نه‌گانه، نصیرالدین طوسی و مولانا بوده‌اند که در یک عصر می‌زیستند.

منابع دیگری نیز بر حکمت نه‌گانه ایرانی وجود دارد که نشان می‌دهد این دانش از خاورمیانه و جامعه اهل تصوف، در دهه چهارم قرن بیست به غرب و آمریکا منتقل شده است و پس از آن در دهه ششم میلادی، توسط اسکار ایچازو، کشیش کاتولیک مذهب در اریکا، نیویورک، این دانش به فرهنگ مسیحی راه باز کرد و گسترش یافت. ایچازو مدعی بود که این دانش به واسطه لطف الهی به او رسیده است. ایچازو ریشه‌های این دانش را در یونان و نزد فیثاغورث معرفی کرد. کلودیو نازجو، روان‌پزشک از جمله کسانی بود که در جلسات آموزشی ایچازو شرکت کرده بود.



لاله بختیار، نویسنده کتاب «نه‌گانه ایرانی»